

« نامه ماهانه ادبی، تاریخی، علمی، اجتماعی »

ارمغان

سال پنجاه و دوم

دوره - سی و نهم

شماره - ۹

شماره - نهم

آذر ماه

۱۳۴۹

تأسیس بهمن ماه - ۱۳۹۸ شمسی

(مؤسس : استاد سخن مرحوم وحید دستگردی)

(صاحب امتیاز و نگارنده : محمود وحید زاده دستگردی - نسیم)

(سردبیر : دکتر محمد وحید دستگردی)

سید محمد علی جمال زاده

ژنو . دهم آذرماه ۱۳۴۹

یونانیان و بربرها

خدمت فاضل و شاعر گرامی آقای وحید زاده دستگردی (نسیم) مدیر محترم مجله «ارمغان» دام مجده استدعای مخصوص دارم که این نامه را هر چه زودتر در «ارمغان» درج فرمائید بسیار ممنون میشوم .

با سلام و دعای خالصانه عرض می‌رساند امروز شماره آبان ۱۳۴۹ مجله ارمغان که با پست هوایی ارسال فرموده‌اید بدستم رسید خدا یار و یاورتان باشد . دنباله مقاله دانشمند و ادیب و شاعر آقای دکتر علی اصغر حریری را که « کار نابکاران » عنوان دارد خواندم و خیلی چیزها یادگرفتم در ضمن آن گفتار در صفحه ۵۲۹ سخن از کتاب « یونانیان و بربرها » بمیان آمده است که بقلم دانشمند و حکیم محقق آقای میرمهدی بدیع تاکنون مجلدات اول و دوم و سوم آن بزبان فرانسه (چون اساساً روی سخن با

فرنگی‌هاست) بچاپ رسیده و انتشار یافته است و جلد چهارم آن هم امید است هرچه زودتر بحلیه طبع آراسته گردد. ترجمه فارسی جلد اول و جلد دوم هم بقلم فاضل فعال و پرمایه آقای احمد آرام در طهران انتشار یافته و امیدواریم که ترجمه فارسی جلد سوم هم باز بسعی و اهتمام ایشان هرچه زودتر منتشر گردد. سه جلد اول بزبان فرانسوی را ناشر بسیار معروف « پایو » Payot منتشر ساخته است و تا تاکنون عده‌ای از مورخین و فضلاء فرنگی درباره آن در روزنامه و مجله‌های نامدار فرنگستان مقاله‌هایی نوشته‌اند و این خود نشان می‌دهد که مساعی قسمتی از عمر آقای میرمهدی بدیع که خواسته‌اند بی انصافی مورخین یونانی و پس از آنها مورخین فرنگی را که در واقع شاگردان همان تاریخ نگاران قدیمی هستند مدال سازند و نشان بدهند که مقداری از آنچه تاریخ نویسان درباره معاملات و خصوصاً زد و خورد بین ایرانیان و یونانیان نوشته‌اند نه تنها اساس صحیحی ندارد بلکه بحکم « قلم در دست دشمن است » از راه تعصب ملی و تفاخر و خودستائی محض بوده است و الحق که از عهده این کار هم خوب برآمده و حق مطلب را در نهایت روشنی و کمال ادا فرموده و از اینرو نه تنها خدمتی بوطن خود ایران نموده که البته سزاوار قدر دانی بسیار است بلکه بجهان تاریخ نگاری هم خدمتی انجام داده و نکته مهمی را که در تاریخ دنیا و تمدن حکم سرفصل پیدا کرده است در نتیجه مطالعه و تحقیق عمیق چندین ساله روشن و مدلل ساخته است چنانکه رفته رفته آثار آن « مقالاتی که در فرنگستان درباره کتاب « یونانیان و بربرها » انتشار یافته مشهود است و ضمناً نباید از خاطر دور داشت که نظر و نیت اساسی مؤلف محترم « یونانیان و بربرها » که قسمتی از عمر خود را مصروف بتألیف این کتاب ساخته همانا به اثبات رساندن و باصداها دلیل و برهان و استدلال روشن ساختن همین موضوع است که هر کس ایرانیان را در قبال یونانیان « بربر » خوانده است (اعم از خود یونانیان و یا مورخین و مؤلفین دیگر در اعصار و ادوار بعد) اولاً

این کلمه را بمعنائی که امروز بعضی از اشخاص و اقوام نادانسته به این کلمه می دهند استعمال نکرده اند و یا اگر استعمال کرده اند از راه بی خبری و احیاناً بدخواهی و بی انصافی بوده است. آقای دکتر حریری مرقوم داشته اند که هنگامی که در یکی از معروضه هائی که از ژنوبه پاریس بخدمت ایشان فرستاده بودم «از انتشار کتابی مژدم میدادم بنام «یونانی ها و بربرها» مرا از این عنوان عجب آمد چه در کتاب های تاریخ که بهر زبان و در هر زمان نوشته شده هرگز رابطه ای میان یونانیان و بربران بنظرم نرسیده بود. بسیار شایق شدم که آن کتاب را ببینم که شاید اطلاعاتی جدید بدست آورم و بر معلوماتم بیفزایم و در این باره شرحی به جناب جمال زاده نوشتم و خواستم که مؤلف نسخه ای از کتابش برایم بفرستد و بهایش را از من بستاند. بسیار بجا افتاد که مؤلف چنین لطفی نفرمود. چه پس از آگاهی از مضمون آن رفتار ابن سینا پیش می آمد.»

آنگاه آقای دکتر حریری رفتار ابن سینا را شرح داده اند و تصور فرموده اند که اگر آقای میر مهدی کتاب خود را برای ایشان فرستاده بود و ایشان آن کتاب را مطالعه فرموده بودند همان معامله ای را روا می داشته اند که ابن سینا در حق شخصی که کتابی را نوشته بود نزد ابن سینا برد و چون ابن سینا نظری بر آن انداخت و اشتباه بزرگی در آن کتاب یافت کتاب را بی تامل بست و بصاحبش پس داد. آقای دکتر حریری کتاب آقای میر مهدی را ندیده و تنها بملاحظه عنوان آن که «یونانیان و بربرها» است چنین مطلبی را نوشته و چنین داوری فرموده اند.

شاید تقصیر من است که بمؤلف محترم کتاب ننوشتم که يك جلد از آن برای آقای دکتر حریری بفرستد و احتمال می رود که علت این تقصیر آن بود که میدانستم آقای بدیع نسخه های نسبتاً زیادی از کتاب خود را برای اشخاصی از هموطنان مجاناً و بلاعوض فرستاده بودند و بدبختانه تنها عدهٔ خیلی وصول آنرا خبر داده بودند و میتوان گفت این معامله موجب دماغ سوختگی ایشان گردیده بود و با آنکه من میدانستم که

آقای دکتر حریری از آن نوع اشخاص بی‌رویه نیستند باز از عرض تقاضا بخدمت آقای بدیع خودداری کردم بخصوص که مجلدات بسیاری از آن کتاب را بتقاضای ارادتمند از راه لطف برای بعضی از هموطنانمان فرستاده بودند.

پس تقصیر با من است و از آقای دکتر حریری معذرت میطلبم و چون از قرار معلوم ایشان کتاب را ناخوانده در باره اش داوری نموده‌اند خواستم در ضمن عذر خجسته‌امی خاطر ایشانرا مطمئن سازم که احتمالی که ایشان در حق این کتاب روا داشته‌اند مقرون بصحت و حقیقت نیست و برای مسرت و تسکین خاطرشان بعرض برسانم که آقای بدیع در طی مندرجات این کتاب گرانقدر مکرر درباره کلمه «بربر» و مفهوم واقعی آن توضیحاتی داده‌اند که مادرا اینجا پاره‌ای از آنرا بعرض آقای دکتر حریری و سایر خوانندگان «ارمغان» میرسانیم تا سوء تفاهم از میان برخیزد و خاطر نازنین و حساس آقای دکتر حریری عزیز تسکین یابد.

بنقل از جلد اول (صفحات ۷ و ۸ از ترجمه فارسی :

«کلمه بربر» کلمه‌ایست بسیار معمولی برای معرفی کسانی که از سرزمین‌های دیگرند و اخلاق و عادات دیگری دارند و در هر زبانی معادلی دارد که معنی آن چیزی جز «اجنبی» یا «بیگانه» نیست. این کلمه که در آغاز در میان یونانیان برای نشان دادن کسانی بکار میرفته است که از سرزمین هیلن برنخاسته‌اند و آنرا نمی‌شناسند و در زیر آسمان آن چشم بدنیا ننگشوده‌اند و بزبان آن سخن نمی‌گویند، از شدت گمراهی و جانب‌داری بیجا و نادانی و سبکسری در میان کسانی که خود را با کمال تعصب از فرهنگ یونانی میدانند، دیگر بمعنی مردمی نیست که فرهنگی جز فرهنگ شکوفان در جامعه آنتی داشته‌اند، بلکه آنرا حقیقه فقدان هرگونه فرهنگ واقعی و حتی مخالف با هر چه بتوان نام تمدن بر آن گذاشت تصور می‌کنند و آنرا بهترین توصیف جهانی میدانند که در حقیقت یکی از پیشرفته‌ترین جهانهای تاریخ قدیم بوده و هست. و این

جهان ایران باستان است . (درحاشیه چنین آمده است : در نیمه قرن چهاردهم میلادی هنوز برای سخن شناسی چون نیکول اورسم (Nicole Oresme) « بربر کسی است که بزبان اجنبی سخن میگوید » (بنقل از لغت نامه فرانسوی لیتره) . مؤلف محترم در این مورد چندین صفحه درباره همین مطلب ، با ذکر شواهد بسیار ، آورده اند که نقل تمام آن موجب اطالۀ کلام خواهد بود و از حوصله اوراق یک مجله بیرون است .



در جلد اول، صفحات ۲۵ بعد

از زبان پوپ که در اثر گرانقدر و عظیم « تحقیقی در هنر ایران » پس از آنکه درباره فرهنگ ایران میگوید « خلاصه آنکه جهان بندرت فرهنگی این اندازه زنده و فعال دیده است » و پس از مطالب بسیار بکه آقای میرمهدی بدیع تمام را در کتاب خود نقل فرموده است و آقای آرام با زبر دستی تام و تمامی بفارسی بر گردانده اند درباره ایرانیان چنین میخوانیم « همان ایرانیانی که هر یک از ما در نخستین کتاب تاریخ دبستانی بصورت پارسها و مادها در تحت عنوان ننگ آمیز « بربرها » با آن روبرو شده است . »

در صفحه ۳۱ از همان جلد اول:

« ایرانیان که مردم سرزمین هلن ایشان را از آن جهت که زبانشان را نمی-فهمیدند « بربر » مینامیدند ... »



خلاصه آنکه مؤلف « یونانیان و بربرها » در اختیار این عنوان نظر طعن و طنز در استعمال کلمه « بربرها » داشته و هر سطری از کتاب عظیم و گرانقدر او این معنی را با وضوح هر چه تمامتر آشکار میسازد و اساساً این کتاب بهمین نیت نوشته

شده است که مردم دنیا بدانند که اولاً ایرانیان نه تنها بمفهوم امروزی این کلمه «بربر» و وحشی و فاقد تمدن نبوده‌اند بلکه تمدنی بس عالی میداشته‌اند و مافی‌المثل در صفحه ۲۵ جلد اول آن کتاب چنین میخوانیم .

«... چون واحد مقیاس زندگی تاریخی ایران باشد یونان جز واقعه‌ای افتخار آمیز و عظمت روم جز پرده‌ای از نمایشنامه جهانی جلوه‌گر نمیشود . نمودی باچنین عظمت و نیرومندی آدمی را در صحنه تاریخ به اشتباه می‌اندازد . نه تنها تاریخ آسیا بلکه تاریخ جهان هم تا زمانی که منابع قدرت ایران کشف و بیان و اندازه‌گیری نشود و دامنه تأثیر آن به سنجش در نیاید و درست فهم نشود غیر قابل فهم خواهد بود .»

نظایر این نوع داوریهادر طی سه مجلد از کتاب عالی مقام « یونانیان و بربرها » بسیار است و در اینجا مقصود ما تنها رفع سوء تفاهمی بود که ذکر آن گذشت و امیدواریم بکلی مرتفع شده باشد .

تصحیح

در مقاله « معنی کلمه دری در کتب دری » در شماره اخیر « ارمغان » (آبان ۱۳۴۹) دو غلط چاپی دیده شد که محتاج اصلاح است .
 ۱ = در صفحه ۳۹۱ . سطر ۱۱ کلمه « رسیده » بکلی برعکس منظور است و صحیح « نرسیده » است .

۲ = در صفحه ۴۹۲ ، سطر ۱۲ کلمه « به این » هیچ معنایی ندارد و باید متناسبی با عبارت ندارد و درست آن « مابین » است .

تقصیری بر حضرت آقای وحیدزاده نیست که دست تنها صد نوع کارهای مجله را باید شخصاً انجام بدهد . خدا یار و یاورش باشد .
 جمالزاده